

زنکها زیر باران

خداوند حسینی



زمستان ۱۳۹۷

زنی تنها
زیر باران

نشر شادان



انتشارات شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی

نویسنده: خدیجه حسینی

نوبت چاپ: دوم - زمستان ۳۵۷

ویراستار: مژگان معصومی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۵۶-۵

کتابخانه ملی: ۴۹۶۶۸۵۳

تیراژ: ۴۰۰ جلد

قیمت: ۶۹۰۰۰۰ ریال

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

www.shadan-pub.com

shadan@shadan-pub.com

پستاکرام نیز همراهمان باشید



حسینی، سیده خدیجه

زنی تنها زیر باران نویسنده: سیده خدیجه حسینی

تهران: شادان، ۱۳۹۶، ۷۲۰ صفحه

(رمان ۱۱۲۲۶)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۵۶-۵

ISBN: 978-600-7368-56-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱- داستانهای فارسی - قرن ۱۴

۹ ز س، ۸۳۴۱ PIR

۱۳۹۶

کتابخانه ملی ایران

۸۶۳، ۶۲

۴۹۶۶۸۵۳

یادآوری: کلیه حقوق این اثر محفوظ است.
به انتشارات شادان می باشد هرگونه
استفاده از آن با مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

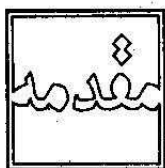
استفاده از کتابهای شادان برای قرار
دادن در سایت های مختلف - به هر شکل -
غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

دشمنان هم مسیر...

توصیه بعضی‌ها جالب است: اگر حال و روز خوشی نداشتید و دل‌تان از زمین و زمان گرفته بود، سری به جای عزت‌آموز مثل گورستان و بیمارستان بزنید تا فتنه حوال‌تان را بدانید!

من هنوز مانده‌ام که چرا باید از دیدن گرفتاری و شوربختی و حتی مردن دیگران احساس خوبی بکنیم و از شرایط فعلی خود راضی‌تر بشویم؟! اما توصیه برخی مشاوران روانشناسی برای سرزدن به دادگاه‌های خانواده و عبرت گرفتن از بیراه‌بست، محیطی که در آن باورکردنی نیست چگونه دو نفر یا یک خانواده تا گسستن تاروپود وجود یکدیگر پیش می‌روند و تمامی سال‌های با هم بودن‌شان را نیز به افتضاح می‌کشند.

نکته عجیب در مواقعی است که زن متوجه شده شوهر گرامی، همدم یا همسر دیگری گرفته (یا البته کرده!) و اتفاقاً هر دو خانم هم در محیط دادگاه حضور دارند. گاهی باورکردنش سخت است که چگونه این دو به یکدیگر حمله (کلامی یا فیزیکی) می‌کنند و می‌خواهند انتقام تمام عالم را از همدیگر بگیرند، بدون آن که به یاد آورند نفر سومی هست که مسبب تمام این ماجراهاست. اصلاً انگار که مرد مظلوم ماجرا بدون اراده، حق داشته فریب دلربایی‌های زنانه را بخورد و مقصری اگر هست، یا زن سابقه‌ای است که دلبری



نمی دانسته و یا زن تازه واردی است که با سحر و جادو، عقلِ مردِ مظلوم ما را ربوده و او را «چیزخور» کرده است!

مرد این رابطه هم در گوشه‌ای مظلوم و سر به زیر ایستاده و منتظر است تا ببیند بالاخره جنگ به کدام سو مغلوبه می‌شود. انگار نه انگار که تمامی این اتفاقات زیر سرِ اوست و کسی چیز خورش نکرده است.

شاید در میان این جدال نکته قابل تأمل و حتی تاسف برانگیز دیدگاه آن زنانی است که هر دو در یک سرنوشت شریک‌اند. دیدگاهی که مردشان را مقصر (یا مقصر اصلی) اتفاقات نمی‌دانند و ناخودآگاه حقِ فریب خوردن را برای او محفوظ دانسته‌اند. پس به جای گرفتن انگشت اتهام به سوی مقصر اصلی، یکدیگر را دانا در می‌شمارند.

به هر حال توصیهٔ متداول در دیدن دادگاه‌هایی از این دست می‌تواند تجربیات عجیب و باور نکردنی داشته باشد ولی لزومی ندارد گذر کسی به آنجا بیفتد!

نویسندهٔ ما هم امروز مخاطب را با شرایط و سرنوشت مشابه نفراتی آشنا می‌کند که بیشترین قربانی آن محسوب می‌گردد. قربانیانی که گاه با گذشت‌های بی‌منطق، فقط موجبات مشکلات بی‌سر را در آینده فراهم می‌کنند.

سوژه و مسیر قصهٔ انتخابی می‌تواند برای بیشتر خوانندگان، مانع به ویژه شادانی‌های حرفه‌ای جالب و در نهایت تاثیرگذار باشد. پس در انتخاب و همراهی‌اش شک نکنید.

بهمن رحیمی

مردادماه ۱۳۹۷ - تهران

سید علی